

مقاله پژوهشی

نقش خیابان در تکوین هویت جمعی شهر اصیل اسلامی (تأملی بر شکل‌گیری مدینه و کوفه صدر اسلام)*

محمد آتشین‌بار**

گروه مهندسی علوم باغبانی و فضای سبز، دانشکده کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

چکیده

مفهوم خیابان در پژوهش‌های حول شهر اسلامی، همواره به‌عنوان عنصر مکمل سایر مؤلفه‌ها مطرح شده، درحالی‌که مؤلفه‌ای تشخیص‌بخش به منظر شهر اسلامی است و شبکه‌ای فعال از جریان زندگی جمعی، مناسک اقتصادی و تعاملات اجتماعی را سامان می‌دهد. این پژوهش با رویکرد تحلیل مفهومی و تاریخی - کالبدی، جایگاه خیابان را در سازمان شهر مدینه بدو هجرت و کوفه اولیه، بازخوانی کرده و نشان می‌دهد خیابان، هم‌تراز با مسجد، نقش تعیین‌کننده در تکوین هویت جمعی و نظم اجتماعی ایفا می‌کند و حاکی از آن است که خیابان در شهر اصیل اسلامی، ضمن ایجاد امکان دسترسی، بستری برای تعامل اجتماعی، فعالیت اقتصادی و مناسک مذهبی فراهم می‌آورد. سنت‌های فقهی و اجتماعی نیز بر مشروعیت و اهمیت خیابان از جمله حفظ پاکیزگی، روشنایی مسیرها و حمایت از جریان آزاد مردم در فضاهای عمومی تأکید دارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که خیابان، به‌عنوان عنصر سازمان‌دهنده مستقل، شبکه‌ای زنده و منسجم ایجاد می‌کند که تحقق مفهوم «امت» را از امری انتزاعی به امر بالفعل «اجتماع» ممکن می‌سازد. این شبکه با پیوند محله، بازار و هسته‌های اعتقادی، جریان زندگی شهری را هدایت و مدیریت می‌کند و تعاملات انسانی، فرهنگی و اقتصادی را در قالب یک ساختار یکپارچه به نمایش می‌گذارد که تحلیل آن، فهم تازه‌ای از پویایی شهر اسلامی و روابط میان فضا، فرهنگ و اجتماع ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: خیابان، شهر اصیل اسلامی، اجتماع، امت، مدینه، کوفه.

مقدمه

میان فضاها نیست، بلکه بستر تداوم مفهوم «امت» و عرصه ظهور نظم اجتماعی و اخلاقی جامعه مؤمنان است. سازمان شهر از مسجد به خیابان و از خیابان به محله گسترش می‌یابد و این پیوند، شبکه‌ای از روابط زنده میان اجتماع و شهر را سامان می‌دهد؛ اینکه حتی احکام فقهی، با وجود حرمت تخریب مسجد، در برابر ضرورت‌های عمرانی خیابان انعطاف نشان داده‌اند نشانه‌ای از مشروعیت و اهمیت حیاتی این مؤلفه در شهر است: «زمینی که جزء قسمت سرپوشیده مسجد بوده و بر اثر واقع شدن مسجد در مسیر طرح عمرانی شهرداری در خیابان افتاده و قسمتی از آن به‌علت اضطرار تخریب شده، اگر احتمال برگشت آن به حالت اولیه ضعیف باشد آثار شرعی مسجد را ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). بدین‌سان، بازخوانی خیابان نه صرفاً به‌عنوان عنصری کالبدی، بلکه به‌مثابه ساختاری مفهومی

در ادبیات تاریخ شهر اسلامی، مسجد همواره به‌عنوان مرکز معنوی و سازمان‌دهنده کالبد شهر شناخته می‌شود. پژوهش‌های متعددی، چه در میان مورخان مسلمان و چه شرق‌شناسان، بر نقش محوری مسجد در پیدایش و تداوم حیات شهری تأکید کرده‌اند اما تمرکز انحصاری بر این عنصر، موجب کم‌رنگ شدن رکن دیگر سازمان شهر اسلامی شده است؛ مؤلفه‌ای که حیات اجتماعی، اقتصادی و حتی عبادی شهر، از آن نشئت می‌گیرد و در آن جریان دارد. خیابان^۱ در شهر اسلامی، تنها مسیر عبور یا حداقل

* این مقاله برگرفته از رساله پسادکتری «محمد آتشین‌بار» با عنوان «شهر اصیل اسلامی» است که به راهنمایی دکتر «ژان شارل دوسن» در مدرسه مطالعات عالی کاربردی پاریس و در حوزه مطالعات تاریخی و متن‌پژوهی، در سال ۱۳۹۷ به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: atashinbar@ut.ac.ir | ۰۹۱۲۱۹۷۹۸۲۶

(Bammate, 2014)، جَعِيط^{۱۱} (Djaït, 1988) و عثمان^{۱۲} (۱۳۸۶؛ ۱۳۷۳) با تحلیل مستندات تاریخی و فقهی، خیابان را عنصری سازمان‌دهنده در شهر اصیل اسلامی می‌دانند. به باور بَمات (Bammate, 2014, 88)، خیابان نمایان‌گر نظم اجتماعی و زندگی جمعی است و کوچه‌ها و گذرها به‌منزلهٔ راهروهای زندگی خانوادگی در دل شهر هستند؛ به‌گونه‌ای که کل شهر همچون یک خانهٔ بزرگ عمل می‌کند: «شهر صرفاً به‌عنوان هنر معماری مطرح نیست؛ کلمهٔ شهر، جامعه‌ای را به یاد می‌آورد که باید منسجم، گرم و متحد باشد. در این صورت خیابان و کوچه‌ها به‌منزلهٔ راهرو و خانه‌ها به‌منزلهٔ اتاق‌هایی هستند که خانواده‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند و تمام شهر به‌منزلهٔ یک خانهٔ بزرگ محسوب می‌شود» (ibid.). قزوینی (۱۳۶۶، ۷-۸) و فیروزآبادی (۱۲۸۹، ۱۵۹)، با تأکید بر اینکه مدینه و هر شهر اصیل اسلامی، نشان تجلی امت است، تأکید دارند سازمان شهر از روابط اجتماعی نشأت می‌گیرد و مسجد و خیابان در این چهارچوب مکمل یکدیگرند.

این پژوهش با بهره‌گیری از نگاه پژوهشگران گروه آخر که خیابان را سازمان‌دهندهٔ شهر اصیل اسلامی می‌دانند، تلاش می‌کند تا تبیین مفهوم خیابان را در شهر اصیل اسلامی به‌مثابه فضایی فعال، روشن کند که نه‌صرفاً مکمل، بلکه هم‌تراز مسجد، در خلق سازمان فضایی، اجتماعی و فرهنگی شهر اصیل اسلامی ایفای نقش می‌کند.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد تحلیل مفهومی و تاریخی- کالبدی، سعی دارد نقش خیابان در شکل‌گیری سازمان شهر اصیل اسلامی از خلال منابع هدفمند که بسیار محدود هستند، بازنمایی کند. داده‌های پژوهش از سه حوزهٔ اصلی گردآوری شده: (۱) متون تاریخی و فقهی، (۲) منابع شرق‌شناسی و (۳) تحلیل کالبدی خیابان‌ها در نمونه‌های منتخب شامل مدینه و کوفه. با مرور اسناد و منابع تاریخی، به شناسایی قواعد طراحی، توزیع زمین، سلسله‌مراتب خیابان‌ها و تعامل آن‌ها با مسجد و محله پرداخته شده است. مطالعهٔ متون فقهی و سنت‌های مرتبط با حریم خیابان، شاخص‌های مربوط به سیما و منظره‌پردازی آن را تحلیل می‌کند.

ماهیت و حساسیت موضوع، دایرهٔ انتخاب منابع را به نسخه‌های اولیهٔ اسناد، محدود می‌سازد. نمونهٔ آن، کتاب «کوفه: پیدایش شهر اسلامی»، تألیف جَعِيط (Djaït, 1988) است که علی‌رغم وجود ترجمه‌های عربی و فارسی، به نسخهٔ اصلی فرانسوی استناد شده است. در این مسیر، استناد به اسناد کارتوگرافیک، تصویری، ترسیمات

و فرهنگی، می‌تواند افق تازه‌ای در فهم سازمان شهر اصیل اسلامی^{۱۳} بگشاید. در این نگرش، خیابان و مسجد دو قطب مکمل هستند که یکی پیوند انسان با خدا و دیگری پیوند انسان با جامعه را معنا می‌بخشد.

این پژوهش با رویکرد تحلیلی- مفهومی می‌کوشد منظر خیابان را در شهر اصیل اسلامی از نو قرائت کند؛ نه به‌عنوان عنصری فرعی در کنار مسجد، بلکه به‌عنوان بستری که خود در شکل‌گیری و استمرار سازمان شهر نقشی بنیادین دارد. در این خوانش، خیابان عرصهٔ ظهور زندگی جمعی و پیونددهندهٔ نهادهای اصلی شهر است؛ فضایی که در آن نظم دینی به نظم اجتماعی ترجمه می‌شود. هدف پژوهش آن است که از خلال منابع تاریخی و فقهی، جایگاه خیابان را در تکوین و تداوم سازمان شهر اصیل اسلامی بازشناساند.

پیشینهٔ پژوهش

بسیاری از پژوهشگران مسلمان و شرق‌شناسان بر این باوراند که شهر اسلامی با محوریت مسجد و بازار شکل گرفته و خیابان‌ها صرفاً مسیرهایی برای دسترسی به مراکز مذهبی و بازارها بودند. این دیدگاه تقلیل‌گرایانه در میان مستشرقین، منجر به نفی کانسپت شهر اصیل اسلامی شده است؛ پلان هول^{۱۴} (Planhol, 1968)، حورانی^{۱۵} و استرن^{۱۶} (Hourani & Stern, 1970) و کاهن^{۱۷} (Cahen, 1955; 1997)، خیابان‌ها را ناشی از تقلید از الگوهای روم و ایران باستان می‌دانند و آشفتگی ظاهری شبکهٔ خیابان‌ها را نشانهٔ ضعف سازمان‌دهی شهر تلقی می‌کنند. از نظر این گروه، شهر اسلامی فاقد نظام و منطق طراحی مستقل بوده و خیابان‌ها تصادفی و بی‌قاعده شکل گرفته‌اند.

پژوهشگران ایرانی (Pourmohammadi et al., 2022; Sajadzadeh, 2014; Noghrekar & Raeisi, 2012 بحرینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ بمانیان، ۱۳۹۳؛ سجاذزاده و پیربابایی، ۱۳۹۱؛ نقی‌زاده، ۱۳۸۹) نیز شهر اسلامی را عمدتاً از نگاه هسته‌های اعتقادی و فضاهای عبادی تحلیل کرده‌اند و اساساً توجه به مفهوم خیابان به‌عنوان یک عنصر شهری، در این پژوهش‌ها دیده نمی‌شود. این دیدگاه موجب کم‌توجهی به اهمیت خیابان و نقش آن در حیات اجتماعی شهر شده است؛ در نتیجه، خوانش غالب در میان پژوهش‌های ایرانی، شهر را با محوریت مسجد و شبکهٔ دسترسی به آن تصور می‌کند و پیچیدگی‌ها و کارکردهای اجتماعی خیابان در شکل‌دهی به محله و نظم شهر اسلامی تا حدی مغفول مانده است.

در مقابل، لومبارد^{۱۸} (Lombard, 2003)، ابولغد^{۱۹} (Abu-Lughod, 1987)، بنت^{۲۰} (Benet, 1963)، بَمات^{۲۱}

آورد (ابن سلام، ۱۳۵۳، ۳۵۸). شایان ذکر است که بافتِ یثرب در دوره پیش و اوایل اسلام، ترکیبی از محلات قبیله‌ای و جوامع دینی متعدد از جمله محلات مرتبط با سه طایفه یهودی شناخته شده بنو قینوقاع، بنو نضر و بنو قریظه^{۱۳} بود؛ مسجد پیامبر اگرچه کانون مرکزی سازمان اجتماعی و سیاسی جامعه نوپای اسلامی بود اما لزوماً در مرکز هندسی یثرب قرار نداشت؛ بلکه نقش آن بیشتر معنایی و نهادی بود (تصویر ۱).

در این فرایند، خیابان‌ها به دو نوع عمده تقسیم شدند: خیابان‌های اصلی یا عمومی و خیابان‌های فرعی. خیابان‌های اصلی که در متون اسلامی به «الطریق السابله»، «طریق المسلمین» یا «طریق العامه» معروف هستند، عرصه عمومی اجتماع بودند و حکومت از حریم آن‌ها حفاظت می‌کرد. عرض این خیابان‌ها از ۳۰ تا ۱۰۰ ذرع متغیر بود و عمدتاً به مسجد جامع متصل می‌شدند. خیابان‌های فرعی در اختیار محله‌ها و ساکنان آن‌ها بود و به دلیل نیازهای خاص هر محله و محدودیت‌های فضایی، معمولاً به شکل بن‌بست و نظمی درون‌زا شکل می‌گرفت (عثمان، ۱۳۷۶، ۵۸-۵۱). این تفکیک نقش و مالکیت خیابان‌ها نشان‌دهنده تفاوت احکام عرصه خصوصی و عمومی در شهرهای اسلامی اصیل است (تصویر ۲).

پس از مدینه، کوفه از دیگر شهرهای اسلامی است که به دلیل مداخله حضرت علی (ع) در تأسیس آن در سال ۱۷ هجری قمری، به عنوان یک پایگاه نظامی، در تاریخ شهری اسلام مهم است. در طول پنج سال اولیه بنیان‌گذاری، کوفه چیزی جز مجتمعی از کلبه‌های حصیری ساده که به صورت موقت در فاصله میان دو لشکرکشی برپا می‌شده نبود؛ در سال‌های ۳۰ هجری قمری، محل ردیف چادرها با دیوارک‌های گل و خشک تثبیت گشت و سرانجام در سال ۵۰ هجری قمری، قطعه‌های بزرگ زمین میان قبایل برای ساخت شهر توزیع شد. ابتدا مسجد را در وسط شهر بنا نهادند؛ پنج خیابان به سمت شمال، چهار خیابان روبه جنوب، سه خیابان روبه شرق و سه خیابان به سمت غرب کشیدند (تصاویر ۳ و ۴). عرض خیابان‌های اصلی ۴۰ ذرع و خیابان‌هایی که از آن منشعب می‌شدند ۳۰ ذرع و خیابان‌هایی که از این‌ها منشعب می‌شدند ۲۰ ذرع تعیین شد و مقرر گشت عرض کوچه‌ها و معابر مطابق توصیه و سنت پیامبر (ص)، هفت ذرع باشد (Djaït, 1988, 91-95). چنانچه مقایسه‌ای میان دیگر شهرهای آن زمان همچون بصره، قیروان، دمشق، فاس، بغداد و سامرا انجام گردد، درمی‌یابیم خیابان‌های اولیه این شهرها باهم شباهت دارند؛ یعنی همه متکی به نظام تقسیم‌بندی شهر براساس محله بوده و قابلیت عملکرد خیابان‌ها را به عنوان یک سیستم افزایش می‌دهند.

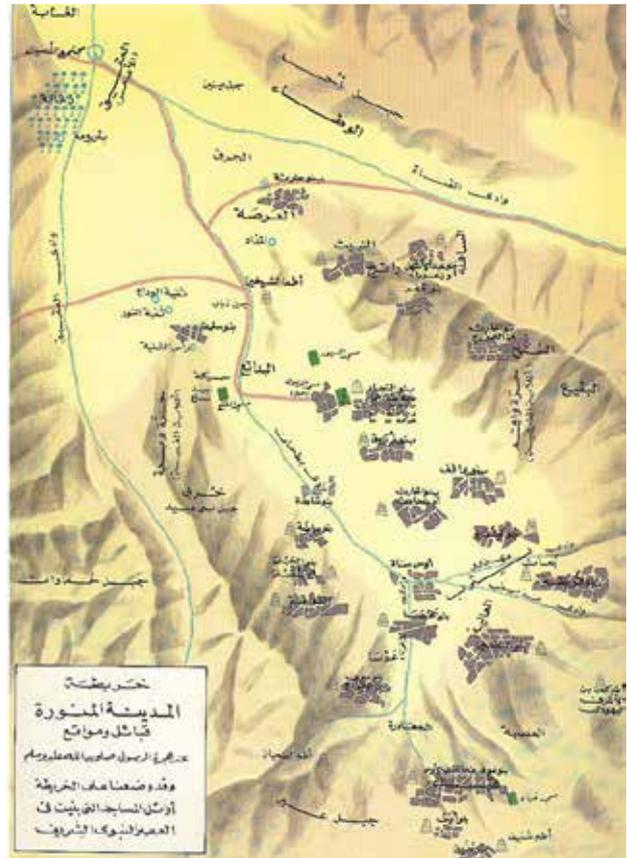
و نقل‌قول‌های شاخص، اساس تحلیل را شکل می‌دهد. اگرچه نقشه‌های عصر صدر اسلام به صورت کامل در دست نیست اما بازسازی‌های معتبر موجود امکان تحلیل سازمان شهرهای نخستین اسلامی را فراهم می‌کند. با تلفیق داده‌های تاریخی و تحلیل کالبدی، این پژوهش تلاش کرده است پیوند میان پویایی شهر و نظم اجتماعی را در شهر اصیل اسلامی آشکار سازد. این روش باعث می‌شود خیابان در شهر اصیل اسلامی نه صرفاً به عنوان یک عنصر فیزیکی، بلکه به مثابه شبکه‌ای فعال و نظام‌مند که جریان زندگی جمعی را شکل می‌دهد، شناخته شود. البته باید توجه داشت تفاوت میان مدینه و کوفه در منشأ شکل‌گیری شبکه خیابان، بنیاد تاریخی و فضایی متفاوتی دارند و توجه به آن برای پرهیز از یکسان‌نگاری تاریخی، ضروری است. در مدینه، ساختار راه در بستری قبیله‌ای و خودرو شکل گرفت ولی در مقابل، کوفه با طرحی از پیش تعیین شده و تأثیرپذیری از تجربه شهری مدینه و دستورات پیامبر (ص) سازمان یافت. با این حال، هدف اصلی این مطالعه، بررسی تفصیلی تفاوت‌های کارکردی و تاریخی این شبکه‌ها نیست، بلکه توجه به اشتراک مفهومی خیابان در هر دو بستر است؛ از این رو، این تحلیل در سطح تکوینی انجام می‌شود، نه در سطح گونه‌شناسی و طبقه‌بندی کارکردی. این رویکرد فلسفی-انکشافی، چهارچوب فهم نظم معابر در شهر اسلامی را فراهم می‌کند.

تکوین خیابان در مدینه و کوفه

ظهور و شکل‌گیری خیابان در شهرهای اصیل اسلامی، نخستین بار با طراحی مدینه پس از هجرت پیامبر (ص) آشکار شد. پیش از این تحول، یثرب شامل محله‌های مسکونی مختص هر قبیله بود که هر یک شامل خانه‌ها، مزارع و دژهای مستقل برای حفاظت از اعضای قبیله می‌شد. بازارها نیز به صورت پراکنده و متناسب با توان و قدرت هر قبیله شکل گرفته بودند، به گونه‌ای که شهر، هزارتویی از فضاهای نیمه‌مستقل و جدا افتاده به نظر می‌رسید (عثمان، ۱۳۷۶، ۵۰). اولین اقدام پیامبر (ص) در مدینه، ایجاد وحدت میان قبایل و پیوند آن‌ها از طریق روابط اخوت و تأکید بر ارزش‌های اجتماع بود. پیامبر (ص) در توزیع زمین‌ها و مشخص کردن محل سکونت، خویشاوندان را در یک محله مستقر می‌کرد و زمین‌های اطراف مسجد را به گونه‌ای اختصاص می‌داد که محله‌های مسکونی پیرامون هسته مرکزی، یعنی مسجد شکل گیرند. این طراحی نه تنها سبب استفاده بهینه از زمین‌های موجود بود، بلکه امکان ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات اجتماعی و اقتصادی را نیز فراهم



تصویر ۲. خیابان منتهی به حمام نبی^{۱۴} در مدینه قبل از ۱۹۹۰؛ از نمونه‌های اولیه عرصه عمومی در شهرهای اصیل اسلامی. مأخذ: Al-Malik, 2012

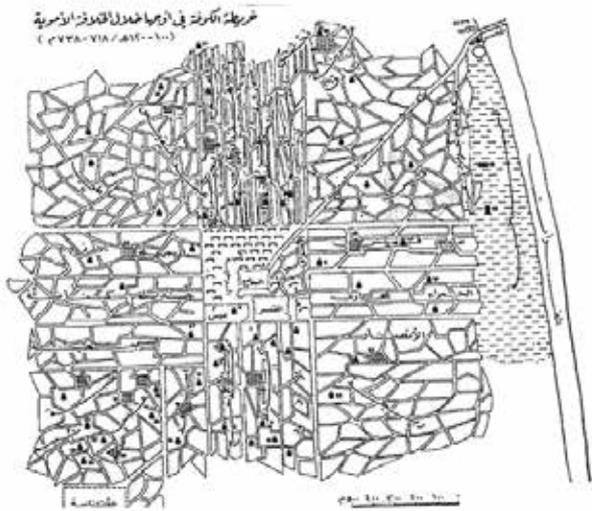


تصویر ۱. نقشه توپوگرافی و موقعیت جغرافیایی قبایل یثرب پس از هجرت پیامبر. مأخذ: Mu'nis, 1987, 42

قوانین فقهی: پشتیبان خیابان در شهر اصیل اسلامی هم‌زمان با احکام مرتبط با شکل خیابان، اصول فقهی مانند حق‌الناس، مصلحت عمومی و حریم خیابان‌ها، عبور آزاد افراد را مشروعیت می‌بخشید و زمینه‌ساز ادراک جمعی از طریق تجربه مشترک بود؛ تا آنجا که ابولغد (Abu-Lughod, 1987)، حس اسلامی بودن شهر را برگرفته از خیابان‌های آن می‌پندارد و تأکید دارد به محض ورود به یک شهر اسلامی، از خیابان‌های آن می‌توان حال و هوای متمایزی از سایر شهرها دریافت. هم‌چنین شهرهایی مانند فاس، با تمرکز بر منظره‌پردازی خیابان، شبکه‌ای همگون از فضاهای جمعی را ایجاد کردند که موجب یکپارچگی شهر می‌شد. علاوه بر این، طراحی خیابان‌ها با توجه به مقیاس انسانی، فضایی مطلوب برای تعاملات اجتماعی فراهم و حس تعلق و مشارکت جمعی را تقویت می‌کرد: «به‌طور کلی شهرهای مسلمانان و بالخصوص فاس، انعکاس مفهوم متافیزیک خاص اسلام است و با شهرهای بزرگ اسلام خصوصیات مشترکی نیز دارد که وحدت انکارناپذیری بین آن‌ها برقرار می‌کند»

لذا می‌توان تأکید کرد علی‌رغم احتمال اشتراک شکلی بین خیابان، شهر اصیل اسلامی و سایر شهرها، قوانین فقهی محکمی برای آرایش منظر خیابان، موجب تمایز آن‌ها از سایر مؤلفه‌های منظر شهر می‌شده است. یکی از جلوه‌های عملی این اهمیت، مشارکت شهروندان در نگهداری خیابان‌ها بود. وقف‌نامه‌ای از تأسیسات جمال‌الدین استادار در محله جمالیة قاهره نشان می‌دهد وی مردی را استخدام کرده بود تا معابر چهار طرف خانقاه را به‌صورت منظم آب‌وجارو کند و خاک‌روبه‌ها را به نقاط دور ببرد (عثمان، ۱۹۸۳). این نمونه، توجه به نظم، پاکیزگی و بهره‌برداری همگانی از خیابان‌ها را به‌وضوح نمایان می‌کند.

همچنین روشنایی خیابان‌ها در شهرهای اسلامی دارای اهمیت اجتماعی و مذهبی بود. افروختن و آویختن فانوس‌ها، علاوه بر بعد کارکردی، معانی خاصی داشت؛ برای مثال ابن‌الحاج متذکر شده است که روشن‌بودن چراغ‌ها در ماه رمضان به مردم امکان می‌دهد فعالیت‌های روزانه



تصویر ۵. نقشه کوفه در اوج شکوفایی خود در دوران خلافت اموی. عنوان اصلی: «خریطة الكوفة فی اوجها خلال الخلافة الأمویة. ۱۰۰-۱۲۰ هـ/۷۱۸-۷۳۸ م». سازمانی پیچیده و سیستمی درون‌زا را روایت می‌کند که براساس نظمی از پیش اندیشیده‌شده در شهر جاری است. مأخذ: Djaït, 1988, 318.

مشروعیت اجتماعی نیز بودند. حفظ حریم، دسترسی آزاد شهروندان و رعایت سلسله‌مراتب عبور، با اصول فقهی هم‌سو بود و هرگونه مزاحمت برای جریان عمومی زندگی منع شده بود. طراحی خیابان‌ها با مقیاس انسانی، روشنایی مناسب، تجربه شهری را چندبعدی می‌کرد و حس تعلق، مشارکت و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کرد.

نتیجه‌گیری

فهم عمیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از شهر اصیل اسلامی، مستلزم بازخوانی خیابان به‌مثابه شبکه‌ای فعال است که در توازن با مسجد، در شکل‌دهی به هویت جمعی شهر اسلامی عمل می‌کند. همان‌طور که مسجد کانون معنوی و عبادی شهر است و احکام برای حفاظت و حرمت آن دقیقاً تعریف شده، خیابان نیز فضایی مشروع برای زندگی جمعی و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. خیابان در شهر اصیل اسلامی، علاوه بر دسترسی فیزیکی، فضایی برای تکوین هویت جمعی و تقویت حس تعلق و مشارکت فراهم می‌آورد و حتی گذرگاه‌های کوچک نیز حامل پیام‌های اجتماعی و فرهنگی هستند که جریان زندگی امت را در کالبد شهر جاری می‌سازند و خیابان، مانند مسجد، مؤلفه‌ای بنیادین در سازمان شهری و تجربه جمعی امت محسوب می‌شود.

در این نگرش، منظر خیابان پیوند میان هسته معنوی و زندگی روزمره شهر را تبیین می‌کند و اهمیت آن در

خود را بدون مانع انجام دهند (عثمان، ۱۳۷۶، ۱۹۹).

حفظ حریم خیابان در شهر اصیل اسلامی، یکی دیگر از عناصر بنیادین ساختار شهری بود. حدیثی از پیامبر (ص) بیان می‌کند: «مردی را در بهشت دیدم که او در دنیا درختی را کنده بود که مزاحم راه انسان‌ها بود» (جوانشیر، ۱۳۷۹، ۹۳). این روایت اهمیت رعایت مسیرهای عبور عمومی و دسترسی برابر را نشان می‌دهد. هیچ خیابانی نباید بر دیگری برتری می‌یافت و این اصل در کنار حرمت مسجد و دیگر اماکن مقدس، اهمیت خیابان را به‌عنوان فضایی مشروع و حیاتی برای زندگی شهری تأکید می‌کند. احکام فقهی و سنت‌های پیامبر و خلفا حاکی از آن است که خیابان باید فضایی عمومی باشد که به نظم اجتماعی و عدالت دسترسی خدمت کند. سنت پیامبر (ص) مبنی بر استفاده از مسیرهای مختلف در بازگشت از نماز عید، نمونه‌ای روشن از رعایت تساوی و عدالت در بهره‌گیری از خیابان است؛ بخاری روایت می‌کند که رسول خدا (ص) در روز عید، راه برگشت را برخلاف راه رفت طی می‌فرمود و این سنت پس از پیامبر توسط خلفای فاطمی نیز ادامه یافت (عثمان، ۱۳۷۶، ۲۳۰).

به این ترتیب، پیدایش خیابان در شهرهای اسلامی را می‌توان هم‌زمان یک پدیده کالبدی و اجتماعی دانست که مولد سازمانی فعال و پویا بود تا امکان تحقق آرمان‌های اجتماعی و دینی را در چهارچوب شهر فراهم می‌آورد. این درک از خیابان به‌عنوان عنصری هم‌تراز با مسجد، پایه‌ای برای پژوهش‌های معاصر در تحلیل سازمان شهر اسلامی فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد هرگونه مطالعه محدود به مسجد، تصویری ناقص از شهر اصیل اسلامی ارائه می‌دهد.

جمع‌بندی

خیابان در شهر اصیل اسلامی نه به‌شکل تصادفی بلکه براساس اصول شبکه‌های سیستمی جهت تولید و توازن حیات جمعی و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و عبادی شکل گرفته است و بدون آن‌ها، مفهوم امت در کالبد شهری تجلی نمی‌یابد. این شبکه، علاوه بر نقش اتصال‌دهنده و عملکرد جابه‌جایی، ضامن انعطاف‌پذیری برای نیازهای جمعی یا خصوصی ساکنین نیز بوده است (تصویر ۵). ازسوی دیگر، خیابان‌ها در شهر اصیل اسلامی همواره فضایی زنده و فعال و هم‌تراز مسجد تلقی می‌شود؛ مسجد نقطه کانونی معنوی و خیابان شبکه پیونددهنده اجتماع است. این پیوند، شهر را به یک ساختار واحد و منسجم تبدیل می‌کند تا همانند یک سیستم سازمان‌یافته، امکان تداوم نظم اجتماعی و فرهنگی در آن فراهم باشد. خیابان‌ها در شهر اسلامی ابزار تحقق عدالت فضایی و

• بحرینی، سیدحسین؛ پورمحمدی، مرضیه و داودپور، زهره. (۱۳۹۸). شهر اسلامی: تخیل یا واقعیت؟ به عنوان فرم. دانش شهرسازی، ۳(۷)، ۳۳-۴۷. <https://doi.org/10.22124/upk.2019.13124.1184>

• بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۳). معنا و مفهوم‌شناسی شهر ایرانی اسلامی؛ مبانی نظری و مصداق‌ها. شهر پایدار، ۱(۱)، ۶۹-۸۸. <https://civilica.com/doc/349484/>

• جوانشیر، کریم. (۱۳۷۹). احادیث موضوعی نهج‌الفصاحه (ویرایش یعقوب دادافکن). سالار.

• خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). خراب‌کردن مسجد در احکام مساجد. رساله آموزشی. <https://farsi.khamenei.ir>

• سجادزاده، حسن و پیربابایی، محمدتقی. (۱۳۹۱). مفاهیم فضای شهری در شهر ایرانی- اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۳(۱۰)، ۲۵-۳۴. <https://sid.ir/paper/480020/fa>

• طبری، جعفر محمدبن جریر. (۱۳۴۶). تاریخ طبری: الأمم و الملوک. روائع التراث العربی.

• عثمان، محمد عبدالستار. (۱۳۷۶). المدینة الإسلامیه (ترجمه علی چراغی). امیرکبیر. (اثر اصلی منتشره ۱۳۶۶)

• عثمان، محمد عبدالستار. (۱۹۸۳). وثیقه وقف جمال‌الدین یوسف الأستاذار. دار المعارف.

• فیروزآبادی، ابوطاهر مجدالدین محمد. (۱۲۸۹). القاموس المحیط. انتشارات بولاق.

• قزوینی، زکریا. (۱۳۶۶). آثارالبلاد و اخبارالعباد (ترجمه عبدالرحمن شرفکندی). مؤسسه علمی اندیشه جوان. (اثر اصلی منتشره ۱۲۲۶)

• نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۹). تأملی در چیستی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی- اسلامی، ۱(۱)، ۱-۱۴.

• Abu-Lughod, J. L. (1987). The Islamic city—Historic myth, Islamic essence, and contemporary relevance. *International Journal of Middle East Studies*, 19(2), 155-176. <https://doi.org/10.1017/S0020743800031822>

• Attilio, P. (2007). *After amnesia: Learning from the Islamic mediterranean urban fabric*. ICAR.

• Al-Malik, A. (2012). Les hammams en Arabie centrale. *Aperçu historique VIIe-début XXe siècle. Chroniques Yéménites*, (17). <https://doi.org/10.4000/cy.1801>

• Atashinbar, M., & Motedayen, H. (2018). Fading out the sematic dimension of street in Iran (from the ancient times to today). *Bagh-e Nazar*, 15(67), 71-80. <https://doi.org/10.22034/bagh.2018.80615>

• Bammate, N. (2014). *Cites D'Islam* (M. H. Halimi & M. Eslambolchi, trans.). *Vezerat-e Farhang va Ershad-e Eslami*. (Original work published 1989)

• Benet, F. (1963). The ideology of Islamic urbanization. *International Journal of Comparative Sociology*, 4(2), 211-226. https://doi.org/10.1163/9789004510012_011

• Cahen, C. (1955). *L'histoire économique et sociale*

بازنمایی تمدن شهری اسلامی بدین‌گونه آشکار می‌شود که نظریه‌های نفی‌کننده کانسپت شهر اصیل اسلامی که بر ایده موزائیک تصادفی بنیان شده‌اند، نقض کرده و مؤکد آن است که اگرچه مسجد، نقطه کانونی و هسته مرکزی شهر اصیل اسلامی است اما بدون خیابان، نمی‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری منظر شهر اصیل اسلامی ایفا کند. لذا نقش خیابان را در منظر شهر اصیل اسلامی، اگر بالاتر از مسجد نپنداریم، در جایگاه هم‌تراز آن قرار دارد. خیابان در شهر اصیل اسلامی به‌مثابه رسانه‌ای عمل می‌کنند که تجربه شهروندان را از فضا هدایت کرده و تقویت‌کننده پیوندهای انسانی و اجتماعی است و نشان می‌دهد شهر اصیل اسلامی، تصادف یا تقلید از الگوهای پیشین نیست بلکه محصول نظم درونی است. این قرائت نوین، خیابان را به‌عنوان مؤلفه‌ای حیاتی در شکل‌دهی سازمان شهری و تجربه جمعی امت برجسته می‌کند و مسیر پژوهش‌های آینده را در حوزه شهر اصیل اسلامی گسترش می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش واژه «خیابان» نه به‌عنوان اصطلاحی تاریخی یا معادل دقیق واژگان صدر اسلام، بلکه در معنای عام و فراگیر «راه» به‌کار می‌رود؛ مفهومی که شامل انواع مسیرها از شارع و طریق تا زقاق و رباط می‌شود. هدف این پژوهش تکوین و فهم هستی‌شناختی راه در شهر اصیل اسلامی است، نه تفکیک لایه‌های کارکردی یا فقهی میان گونه‌های مختلف آن. از این‌رو، واژه خیابان صرفاً برای سهولت بیان و ادراک مخاطب، انتخاب شده است. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به پژوهش آتشین‌بار و متدین (Atashinbar & Motedayen, 2018).
۲. تأکید بر ترکیب «شهر اصیل اسلامی» در پژوهش، از آن حیث اهمیت دارد که تمایز میان شهرهای سرزمین‌های اسلامی، مانند دمشق که اصالت رومن و پیش‌از آن اکدی دارد و شهرهای ایران که هم‌نشینی مؤلفه‌های معماری قبل‌از اسلام و اصول شهری بعداز اسلام هستند (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به پژوهش منصور (Mansouri, 2007)) با شهرهایی که اساساً بر مبنای دستورالعمل‌های اجتماعی اسلام بنا شده‌اند، شفاف و مشخص گردد. مصداق شهرهای بحث‌شده، تغییر یرب به مدینه با ورود پیامبر (ص) و تحولات کوفه در زمان خلافت حضرت علی (ع) است که در پژوهش به‌عنوان نمونه موردی مطرح می‌شوند.
۳. جغرافی‌دان فرانسوی، متخصص مطالعات تاریخ ایران و ترک.
۴. مورخ و پژوهشگر لبنانی- انگلیسی، متخصص تاریخ خاورمیانه.
۵. شرق‌شناس لهستانی- انگلیسی.
۶. شرق‌شناس فرانسوی، متخصص تاریخ اسلام.
۷. مورخ فرانسوی و شخصیت آکادمیک، متخصص مطالعات اسلام اولیه.
۸. جغرافی‌دان فرانسوی، متخصص مطالعات تاریخ ایران و ترک.
۹. پژوهشگر شهرسازی و انسان‌شناس اسپانیایی.
۱۰. اسلام‌شناس و زبان‌شناس فرانسوی- افغانی
۱۱. تاریخ‌نگار و شخصیت آکادمیک اهل تونس.
۱۲. محمد عبدالستار عثمان: مدرس دانشگاه و پژوهشگر حوزه باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه سوهاج، مصر.
۱۳. Banū Qaynuqa', Banū Nadhir, Banū Qurayza
۱۴. Hammām al Nabī - Ṭayba

فهرست منابع

• ابن سلام، ابی عبید القاسم. (۱۳۵۳). الاموال. قاهره.

de l'Orient musulman médiéval. *Studia Islamica*, 93-115. <https://doi.org/10.2307/1595104>

- Cahen, C. (1997). *L'Islam, des origines au début de l'Empire ottoman*. Hachette.
- Djaït, H. (1988). *Al-Kūfa, naissance de la ville islamique*. Annee.
- Hourani, A. H., & Stern, S. M. (1970). *The Islamic City*. Oxford and University of Pennsylvania Press.
- Lombard, M. (2003). *The Golden Age of Islam*. Markus Wiener Publishers.
- Mansouri, S. (2007). The spatial organization of Iranian city in two periods: before and after Islam based on the evidences of Kerman city evolution. *Bagh-e Nazar*, 4(7), 50-60.
- Mu'nis, H. (1987). *Atlas tārikh al-Islām*. Al-Zahraa.
- Noghrekar, A., & Raeisi, M. M. (2012). Realization

of Islamic identity in architectural works. *Journal of Studies on Iranian Islamic City*, (7), 5-12. <https://sid.ir/paper/177363/en>

- Pourmohammadi, M., Habibi, S. M., Bahrainy, S., & Davoudpour, Z. (2022). Rejecting the theory of Islamic city as a Form. *Bagh-e Nazar*, 19(107), 99-110. <https://doi.org/10.22034/bagh.2021.256752.4710>
- Planhol, X. D. (1968). *Les Fondements géographiques de l'histoire de l'Islam*. Flammarion.
- Sajadzadeh, H. (2014). A realistic view towards the meaning of urban space in the Islamic city. *Journal of Studies on Iranian Islamic City*, (14), 23-32. <https://sid.ir/paper/177392/en>
- Sefrioui, A. (1978). *Fès: miroir de l'histoire, Actes du séminaire expérimental d'animation culturelle*. Unesco, 101-108.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
آتشین‌بار، محمد. (۱۴۰۴). نقش خیابان در تکوین هویت جمعی شهر اصیل اسلامی (تأملی بر شکل‌گیری مدینه و کوفه صدر اسلام). *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۳(۵۰)، ۴۴-۵۱.

DOI: [10.22034/jaco.2025.557448.1503](https://doi.org/10.22034/jaco.2025.557448.1503)

URL: https://www.jaco-sj.com/article_236888.html

